

نقش حج در تزکیه نفس و سلوک معنوی

از منظر قرآن کریم

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۴)

کوروش کسلخه

دبیر معارف اسلامی

چکیده

حج چه از دیدگاه اهل سنت و چه از دیدگاه اهل تشیع یکی از ارکان اصلی دین مبین اسلام می باشد و طی وجود شرایطی بر هر شخص مسلمانی واجب و تکلیف است که این فریضه را انجام دهند. حج که در واقع زیارت خانه ی خداوند متعال و انجام اعمال و مناسک مرتبط با این فریضه است باعث می گردد تاثیرات مطلوب و بسزایی در روح و روان و زندگی و نگرش انسانها داشته باشد. رفتن و زیارت خانه ی آفریدگار هستی منجر به پاکسازی روح و ذهن آدمی و رشد معنوی می گردد که این مهم، تاثیرات مطلوب و مثبتی در زندگی دنیوی داشته و نهایتاً نیز منجر به سعادت اخروی و رستگاری می گردد همانگونه که خداوند متعال نیز راه رستگاری را در آیه مبارکه « قد افلح من زکاهها _ و قد خاب من دساها » پاکسازی روح و روان از حيله ها و وسوسه های شیطان می داند که در پژوهش حاضر از آن تحت عنوان « تزکیه نفس » یاد می نمایم. مع الوصف تزکیه نفس تاثیر مهم و بسزایی در سلوک معنوی خواهد داشت. منظور از سلوک معنوی نیز، جنگ با نفس و نزدیک شدن به خداوند متعال می باشد که متعاقباً تاثیرات بسیار حائز اهمیت در زندگی انسانها خواهد داشت. آشنایی با اشخاص پاک و صالح، رهایی از حيله هلا و وسوسه های شیطانی، خشنودی و رضایت آفریدگار هستی، سعادت دنیوی و اخروی از نتایج تزکیه نفس و سلوک معنوی انسانهاست.

واژگان کلیدی: حج، پاکسازی روح، رشد معنوی، رستگاری، تزکیه نفس، سلوک

مقدمه

همانگونه که محرز و مسلم است یکی از ارکان دین مبین اسلام، مقوله حج می باشد که طبق شرع مقدس برای آن دسته از مسلمانانی که شرایط لازم از قبیل بلوغ، عقل و استطاعت مالی را دارا باشند واجب است. به نظر می رسد علاوه بر استطاعت مالی، استطاعت و توانایی بدنی و جسمی نیز برای انجام دهنده، شرط و ملاک می باشد یعنی شخص باید توانایی جسمی و سلامتی لازم و کافی را برای انجام عمل حج دارا باشد و لذا در فرضی که شخص به دلیل بیماری یا کهولت سن یا ناتوانی بدنی نتواند عمل حج را انجام دهد باید شخص دیگری را به عنوان جانشین خویش برای انجام این عمل معنوی بفرستد.

در رابطه با انجام فریضه حج، خداوند متعال در آیه ۹۷ سوره مبارکه آل عمران^۱ می فرماید؛ (و برای الله حج خانه [ی کعبه] بر عهده مردم است [بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد)؛ یعنی اینکه شخص باید توانایی انجام این عمل را داشته باشد که این توانایی هم شامل توانایی مالی و هم شامل توانایی بدنی و جسمی می گردد. لازم به ذکر است که علاوه بر این دو مورد، اگر شخص متقاضی حج، از جنس مونث باشد باید یک شخص محرمی را نیز باید با خود به همراه داشته باشد.

؛ آیه ۹۷ سوره آل عمران: ۲

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

در آن نشانه هایی روشن [از ربوبیت، لطف، رحمت خدا و از جمله] مقام ابراهیم است؛ و هر که وارد آن شود در امان است؛ و خدا را حقی ثابت و لازم بر عهده مردم است که [برای ادای مناسک حج] آهنگ آن خانه کنند، [البته] کسانی که [از جهت سلامت جسمی و توانمندی مالی و باز بودن مسیر] بتوانند به سوی آن راه یابند، و هر که ناسپاسی ورزد [و از رفتن به آنجا خودداری کند، به خود زیان زده]؛ زیرا خدا از جهانیان بی نیاز است.

به عبارتی دیگر همانطور که می دانیم خانه کعبه اولین خانه‌ای است که بر روی زمین بنا نهاده شده است و در عرف کنونی و گذشته، زیارت خانه خدا را تحت عنوان حج می شناسند. مضافاً اینکه حج در میان اهل سنت یکی از ارکان پنجگانه اسلام بوده و همانند دیگر ارکان اسلام از اهمیت و جایگاه خاص خود برخوردار است.

درواقع حج از منظر اهل سنت همانند نماز از جمله واجبات بوده و بر اهل ایمان واجب است که هر مسلمان حداقل یکبار در طول زندگی خود در صورت استطاعت باید آن را به جای آورد و وقتی که حج بر کسی واجب می شود و او قصد رفتن دارد باید حلالیت طلبیده و بدهی های خود را از تمامی جهات با افراد صاف کند چنانکه گویی سفر آخرت می رود.

در فریضه ی حج، فرد ۷ بار دوره کعبه می چرخد، حجرالاسود را لمس به عنوان نشانه خداوند لمس می کند، بین صفا و مروه در رفت و آمد است؛ لباس احرام را بر تن می کند، چهار روز یا پنج روز را در منطقه منا و عرفات به سر برد که دوره سختی است همه این ها به جای آوردن رسوم بندگی در افراد است برای شستشوی روحی و اخلاقی فرد است، و به تعبیر پیامبر (ص) برای تولدی دوباره است.

به طور کلی و در عرف کنونی حج به دو نوع؛ حج تمتع و حج عمره تقسیم بندی می شود که به توضیح و تشریح آن در ذیل می پردازیم و لازم به ذکر است که منظور از واژه حج در پژوهش حاضر، هر دو حج را شامل می گردد.

بخش اول: انواع حج و تفاوت های آنها با یکدیگر

همانطور که گفته شد حج چه از دیدگاه اهل سنت و چه از دیدگاه اهل تشیع یکی از ارکان اصلی دین مبین اسلام بوده و به طور کلی در عرف کنونی و در کشور ایران دارای دو نوع (یعنی تمتع و عمره) می باشد که مختصراً در ذیل بررسی و تبیین می گردد .

بند اول ؛ حج تمتع

حج تمتع که از آن تحت عنوان حج واجب نیز یاد می شود در ماه های خاصی انجام می شود ولیکن حج عمره در تمام ایام سال می تواند صورت گیرد. ضمناً حج عمره برای مسلمانان واجب نمی باشد برخلاف حج تمتع که البته حج تمتع نیز در فرض وجود برخی شرایط واجب می گردد . به بیانی دیگر حج تمتع (واجب) را به حجی گویند که هر شخص مسلمانی بتواند از عهده هزینه های آن برآید و لذا شخص حتماً باید استطاعت و توانایی مالی داشته باشد و حج تمتع نسبت به حج عمره زمان بیشتری طول می کشد.

بند دوم ؛ مناسک حج تمتع و حج عمره

تفاوت اصلی حج تمتع و عمره در اعمال آنها می باشد که مختصراً در ذیل بیان می گردد ؛

الف ؛ مناسک عمره عبارتند از :

احرام ؛ که نخستین مرحله از حج بوده و شامل نیت ، پوشیدن لباس احرام و تلبیه می باشد. لباس احرام را در گویش عربی ، رداء می نامند و فی الواقع لباسی است که مسلمانان حین حج بر تن می نمایند. لباس احرام آقایان دو تیکه می باشد یک تیکه که بر دوش می اندازند و تیکه ی دیگر که از ناف تا زانو را می پوشاند (به این تکه ، آزار یا لنگک گویند) .

طواف کعبه ؛ گشتن به دور خانه خداوند را اصطلاحاً طواف می گویند که دارای شرایط خاص و ویژه ای می باشد .

نماز طواف

سعی بین صفا و مروه (هفت مرتبه مسیر بین صفا و مروه طی می شود)

تقصیر (کوتاه کردن مقداری از مو یا ناخن)

ب ؛ مناسک حج تمتع

احرام در مکه ؛ که توضیح آن در فوق بیان گردید .

توقف در عرفات در روز نهم ذی حجه و ماندن در آن جا تا غروب (مشغول خواندن دعای عرفات)

ماندن در مشعرالحرام از شب دهم ذی حجه تا طلوع خورشید ؛ منظور از مشعرالحرام محلی میان عرفات و مناست که حجاج باید از غروب شرعی روز عرفه به این سمت حرکت کنند تا از آن هنگام تا طلوع آفتاب روز دهم ذی حجه همان روز اعمال مخصوص در آن مکان انجام دهند .

پرتاب هفت سنگ به جمر عقبه (همان رمی جمره یا سنگ شیطان) در روز عید قربان

قربانی در روز عید قربان

تراشیدن موی سر یا کوتاه کردن بخشی از مو یا ناخن

طواف حج (هفت مرتبه دور کعبه می گردند)

نماز طواف (پس از طواف دو رکعت نماز به نیت نماز طواف خوانده می شود)

سعی بین صفا و مروه

طواف نساء ؛ که با هفت دور چرخیدن به دور خانه خدا رخ می دهد و جزو واجبات حج است.

نماز طواف نساء

ماندن در منا در روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم برای بعضی از افراد

پرتاب سنگ به جمرات .

بخش دوم : مفهوم تزکیه نفس و سلوک معنوی

از آنجایی که موضوع پژوهش حاضر ، نقش حج در تزکیه نفس و سلوک معنوی از منظر قرآن کریم می باشد فلذا بدو و مقدمتاً به توضیح و تشریح واژه حج پرداخته شد. متعاقباً نیز معنا و مفهوم تزکیه نفس ، و سلوک معنوی مورد بررسی واقع می گردد :

بند اول ؛ تزکیه نفس

تزکیه نفس عبارت قرآن است برای کسانی که می خواهند نفس خود را رشد دهند و به مقامات بالای معنوی دست پیدا کنند. آن چه در عموم مردم با نام تربیت نفس، تربیت توحیدی و تربیت اخلاقی نفس، تربیت خدایی شدن یا موارد مشابه این ها شناخته می شود، قرآن یک اسمی روی آن می گذارد و آن «تزکیه نفس» است این اصطلاح قرآن است .

تزکیه، به معنای نمو و رشد دادن است؛ یعنی نفسمان را رشد بدهیم بالا بیاوریم که به آن نتایجی که باید برسیم، با کمک و یاری خدا برسیم. قرآن می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»؛ به یقین هر کس خود را تزکیه نفس نماید رستگار گردد^۱ هر کس نفسش را تزکیه کند به آنجایی که باید برسد می‌رسد. یعنی فلاح و رستگاری. هر کس نفس را رها کند به سوی سقوط رفته و ناامید و محروم می‌شود و لذا به نظر می‌رسد که بهشت برین جای اشخاصی است که متقی و پرهیزگار شده و به تزکیه نفس پرداخته‌اند که البته این موضوع در سوره مبارکه نازعات نیز بیان گردیده است؛ (وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ).

نتیجتاً مشخص می‌گردد که تزکیه نفس منجر به پاکسازی روح و روان و ذهن آدمی گردیده و باعث رشد معنوی می‌شود که این مهم منجر به جلب رضایت آفریدگار هستی و یکی از راههای رسیدن به او می‌باشد.

بند دوم؛ سلوک معنوی

سلوک معنوی در اصطلاح به معنی نزدیک‌تر شدن به خداوند است و از دیدگاه امام خمینی نیز امری بسیار مهم و حائز اهمیت می‌باشد و ایشان معتقدند که سلوک سالک الی الله یک حرکت و سفر معنوی است و حقیقت آن سفر به سوی حق تعالی و خروج از حجاب‌های ظلمانی عالم طبیعت و حجاب‌های نورانی عالم غیب است بنابراین نخستین گام برای سلوک الی الله، بیداری از غفلت است. (امام خمینی، سر الصلاة) عارفان نیز هدف از سیر و سلوک

۳؛ (قسم به این آیات الهی) که هر کس نفس ناطقه خود را از گناه و بدکاری پاک و منزّه سازد به یقین (در دو عالم) رستگار خواهد بود. و هر که او را (به کفر و گناه) پلید گرداند البته (در دو جهان) زیانکار خواهد گشت. سوره شمس آیات ۹ و ۱۰

را وصال و لقای حق تعالی می دانند که با تعبیرهای گوناگونی مانند لقای خداوند ، فنای فی الله و معراج روحانی بیان شده است (ابن عربی ، تفسیر - قونوی ، النصوص) .

به عبارت دیگر سلوک عبارت از رفتن است، از اقوال و افعال و اخلاق بد، به اقوال و افعال و اخلاق نیک و از هستی خود، به هستی خدای، چون سالک با اقوال و افعال و اخلاق نیک ملازمت نماید، انوار معارف بر وی ظاهر می گردد و حقایق اشیا گاهی بر وی منکشف شود و از هستی خود بمیرد و به هستی خدای زنده گردد (آملی ، نصوص الحکم ، ص ۳۰۹) .

مع الوصف به نظر می رسد شخصی که در مسیر سلوک معنوی قدم بر می دارد توبه نموده و به جنگ با نفس و وسوسه ها و حيله های شیطانی پرداخته و نفس خویش را شکست می دهد و لذا نتایجثمر ثمری از قبیل رهایی و دور شدن از حيله های شیطان ، رسیدن به آرامش ، وارسته شدن ، آشنایی و نشست و هم نشینی با اشخاص صالح و پاک ، نزدیک شدن به آفریدگار ، خشنودی و رضای آفریدگار و خالق هستی ، سعادت دنیوی و اخروی را در پی خواهد داشت .

بخش سوم ؛ نقش و تاثیر حج بر مسلمانان

فريضة حج که یکی از ارکان دین مبین اسلام است درواقع فرصتی برای تهذيب، تزکیه ی نفس و خودسازی بیشتر و معبری جهت رسیدن به مقام قرب و فنا نیز می باشد و طبق روایات و احادیث، نه تنها انسان، بلکه جنّ و انس و پرندگان نیز آن را به جای می آورند و آثار و برکات مادی و معنوی آن شامل همه است. حج پس از اسلام از فروعات مهمّ آن واقع شد که به شرط استطاعت بر مسلمان واجب می شود و همواره مورد توجه خاصّ مسلمانان بوده است.

مضافاً اینکه حج علاوه بر اینکه یکی از ارکان اصلی دین اسلام است، نوعی عبادت جمعی و اجتماعی است که مسلمانان را از سرتاسر جهان و با هر نوع ملیت، قومیت، مذهب و نژاد که باشند دور هم جمع نموده و فرصتی را برای آشنایی و هماندیشی و برادری را برای آنان فراهم می‌نماید. فی الواقع حج مظهري از وحدت و انسجام امت اسلامی است که نشان می‌دهد مسلمانان با وجود تنوع‌هایشان می‌توانند در کنار هم زندگی نموده و آنها را از خودپسندی و خودبینی دور نماید و به خدا پسندی برساند. ولذا مع الوصف حج نماد وحدت و برادری و برابری است که در قالب آن مردم از کشورها و فرقه‌های مختلف اسلامی، فارغ از هرگونه نژاد و قبیله و ثروت و منصب، به انجام مراسم دینی و مذهبی می‌پردازند.

به تعبیری دیگر خانه خدا، کانون توحید و آیتی برای شناخت خداوند است. مقام ابراهیم، صفا و مروه، عرفات، منا و..... هر کدام نشانه و علامتی برای شناخت معبود واقعی و اعمال و مناسک حج، اعلام ندای بندگی و توحید است.

حج در مجموع، سیر آدمی به سوی خداوند است که با هجرت از خلق، آغاز می‌شود و او می‌بایست این آمادگی را در خود ایجاد کند که تعلقات را بگسلد و خانه و کاشانه و کارها را رها کرده و یک باره به سوی دوست هجرت کند. البته لازم به یادآوری است که این سیر به سوی خدا، یک سیر مکانی و زمانی نیست؛ بلکه سیری است درونی که انسان هر چه را که غیر خدا هست، ترک کرده و تنها او را طلب و جست و جو می‌کند همانگونه که حضرت علی علیه السلام فرموده اند؛ *والحج تقویة للدين* یعنی خداوند حج را وسیله ای برای تقویت دین قرار داد (نهج البلاغه، خطبه ۱).

رفتن به مکه مکرمه و انجام فریضه حج مسلماً تاثیراتی را بر اخلاق، روحیه، نفس و شخصیت آدمی خواهد گذاشت که هر کدام در جایگاه خود دارای اهمیت والا و بسزایی بوده و می توان مورد مطالعه قرار داد. ولیکن از آنجایی که موضوع پژوهش حاضر، نقش حج در تزکیه نفس و سلوک معنوی می باشد و لذا در این پژوهش، تنها به تبیین و تشریح تاثیراتی که فریضه حج بر سلوک و نفس انسان می گذارد می پردازیم.

بند اول: نقش حج در تزکیه نفس

زمانیکه شخص به منزل و خانه ی آفریدگار خویش رفته و به خداوند متعال تقرب می جوید در علل و دلایل خلقت آفرینش تأمل و تدبر کرده و سعی بر آن می نماید تا نفس خویش را پاک و منزّه نماید و از اخلاق ناپسند و آلودگی های اخلاقی دوری جسته و به مبارزه با نفس خویش پردازند تا در سرای آخرت اعمال وی جزو اعمال بندگان پاک و مطهر خداوند باشد. زیرا با حضور در بیت الله الحرام خانه آفریدگارمان می باشد باعث می شود که آدمی به این موضوع تفکر و اندیشه نماید که مخلوق و آفریدگار انسان و تمامی جهان هستی، قادری مطلق به نام خداوند متعال بوده و پس از طی مدتی عمر و زندگی باید این جهان هستی را ترک نموده و با اعمال نیک و بد در صحرای محشر و در محضر خداوند متعال حاضر گردد، و لذا انسان در اعمال و رفتار خویش بسی تأمل کرده و در اخلاق، منش، عبادات و تکالیف شرعی دقت لازم و کافی خواهد داشت و به تطهیر روح و نفس خویش پرداخته و قدم در راهی نیک و درست بگذارد و همین تغییر و تبدیل شدن به انسانی آگاه و مسئول باعث می گردد تا برای رضایت و خشنودی خداوند و آفریدگار خویش عمل نماید که این امر به مرور زمان منجر به تزکیه نفس و سلوک معنوی می گردد.

به عبارتی دیگر انسان با تشرف به خانه خدا و رفتن به حج، به شخصی دیگر تبدیل گردیده و مسئولیتی خطیر را بر دوش خود حس می نماید و احساس می نماید که رسالتی بر عهده و دوش وی قرار گرفته است که همین رسالت و مسئولیت باعث می گردد که شخص حاجی، سعی می نماید عملی انجام ندهد که خلاف رضایت الله متعال باشد.

لازم به یادآوری است کسانی که به سرزمین وحی می روند سعی در آن دارند تا از خواب غفلت بیرون آمده و تابع هواهای نفسانی نباشند که در مقاله ی حاضر از آن تحت عنوان « تزکیه نفس » یاد می شود البته همانگونه که در قرآن کریم و در سوره مبارکه مدثر که یکی از سوره های مکی است خداوند متعال به پیامبر اکرم (ص) توصیه هایی نموده است، که یکی از این توصیه های مهم و نخستین، بحث تزکیه نفس می باشد (و ثیا بک فطهر و الرجز فاهجر). لازم به ذکر است که تزکیه نفس مشروط بر مخالفت با شیطان رانده شده و دوری از فحشا است (آیه ۲۱ سوره نور) ولذا نتیجه بررسی حاصله نشان از آن دارد که شخص مشرف شده به سرزمین وحی و خانه خداوند که از آن تحت عنوان «حاجی» یاد می نمایم به توصیه های خداوند متعال و پیامبر اکرم عمل نموده و به مخالفت صریح با شیطان رانده شده پرداخته و خود را از آلودگی ها و هواهای نفسانی رها نموده و نفس خویش را مطهر و پاک می نماید.

تزکیه نفس موضوعی بسیار مهم و حائز اهمیت است به نحوی که حضرت موسی علیه السلام از جانب خداوند متعال مامور گردیده بود تا فرعون را به راه حق و راست هدایت نموده و وی را به تزکیه نفس راهنمایی نماید آن چنان که در سوره مبارکه نازعات آیات ۱۵_۱۸ آمده

۴؛ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى؛ آیا سرگذشت موسی به تو رسیده است؟ (۱۵)

(۱۶) إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى؛ هنگامی که پروردگارش او را در وادی مقدس طوی ندا داد

(۱۷) أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى؛ که به سوی فرعون برو؛ زیرا که طغیان کرده است

(۱۸) فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَٰهٌ إِلَّا أَن تَزُكَّى؛ پس به او بگو: می خواهی [از آلودگی شرک و طغیان] پاک و پاکیزه شوی؟

است ، ولذا مشرف شدن به خانه خدا و انجام فریضه حج که به مراتب و متعاقبا باعث تزکیه نفس و سلوک معنوی شخص مسلمان می شود امری بسیار مهم و تاثیر گذار است و به هر مسلمانی واجب و پیشنهاد می گردد تا در صورت حصول شرایط به انجام این مهم پردازد ؛ زیرا این امر علاوه بر اینکه منجر به پالایش روح از آلودگی ها و تطهیر می گردد ، باعث رستگاری انسان و عامل رساننده انسان به بهشت برین می شود و همین موضوع را خداوند متعال صراحتا در آیه « قد افلح من زکاهها » بیان داشته است بدین معنا که ؛ به یقین هر کس خود را تزکیه نفس کرد رستگار شد . ولذا پاداش مؤمنانی که قلوب خود را از آلودگیها تزکیه نموده و اعمال صالح انجام دهند درجات بالای بهشت و زندگی دائمی در آن است (آیات ۷۵ و ۷۶ سوره مبارکه طه) و همچنین این گونه افراد از آتش جهنم مبرا بوده و از ناحیه آن ضرری نخواهند دید (آیه ۱۴-۱۸ سوره مبارکه لیل) .

حج با مشقت ها، سختی ها و مناسک و دلایلی که دارد، یکی از نمونه های عینی جهاد اصغر است و همچنین با اعمال و مناسک گوناگون و تاثیرات شگرف خود، یک پیوند و ارتباط درونی بین دنیا و آخرت است و انسان را آماده پذیرش و فهم رستاخیز و حشر و نشر در قیامت می کند. حج گزاری که با وداع از خانواده و گذر از شهرها و کشورها و بیابان ها، شروع به این سفر معنوی می کند؛ گویا در حال رفتن به جهان آخرت است. با پوشیدن لباس سپید احرام و پیوستن به جمع سپیدپوشان یکتاپرست و انجام اعمال و مناسک گوناگون، گویا در صحنه محشر حاضر شده و در حال گذر از مواقف حساب و کتاب و نزدیکی به ساحت ربوبی است. با یادآوری این انگاره، حج گزار ارتباط و آشنایی مفید، با روز قیامت و نحوه رستاخیز انسان ها پیدا می کند.

ولذا مع الوصف هدف اصلی از انجام فریضه حج نیز تقویت معنویت و سلوک معنوی در انسان می باشد تا از این طریق انسان با معنویت و روحانیت آشنا گردیده و از وابستگی ها و متعلقات بیهوده ی دنیا جدا گردیده ، از گمراهی نجات یافته و به خداپسندی و خدا دوستی برسد .

بند دوم ؛ نقش حج در سلوک معنوی

از آنجایی که در بیان و تشریح معنا و مفهوم سلوک معنوی اشاره داشتیم که منظور از این عبارت ، رشد معنوی و حرکت به سوی خداوند است ولذا مقوله حج نیز فرصتی به شخص حاجی می دهد تا در این سفر و فریضه معنوی ، تفکر و تدبر نموده و در مسیر تقرب به درگاه احدیت گام برداشته و منجر به ارتقا معنویت و روحانیت و سلوک معنوی گردد ؛ همانطور که امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «علّة الحج الوفادة، الی الله تعالی ... والخروج من کل ما اقترب و لیكون ثاباً مما مضی مستانفا لما یستقبل » ؛ علت حج وارد شدن بر خدای متعال ... و بیرون آمدن همه گناهان گذشته و شروع کردن زندگی آینده با توبه است . (شیخ صدوق ، محمدبن علی ، عیون اخبار الرضا (ع) ، جلد ۱ ، صفحه ۹۷ _ شیخ صدوق ، محمدبن علی ، علل الشرائع ، جلد ۲ ، صفحه ۴۰۴)

همانگونه که محرز و مسلم است فریضه شکوهمند حج در دین مبین اسلام از جایگاه بسیار والا و ارزشمندی برخوردار بوده که در آیات قرآن کریم نیز بدان اشاره شده است مانند آیه ۹۶ سوره آل عمران که خداوند متعال در آن می فرماید ؛ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ : همانا نخستین خانه ای که برای عبادت خلق بنا شد همان خانه (کعبه) است که در مکه است که در آن برکت و هدایت است برای جهانیان . و تنها خانه ای است که خدا آن را به نام خود خوانده و بدین سان اشاره به کرامت و عظمتش نموده است . و به

فرموده رسول گرامی اسلام، علت وجوب طواف خانه خدا سعی بین صفا و مروه، و رمی جمرات، بر پایی ذکر خداوند است: «انما جعل الطواف بالبيت و بین الصفا و المروة و رمی الجمار لاقامه ذکر الله» (ری شهی، جلد ۱، ص ۱۳۳) مضافا اینکه ضمنا منظور از طواف، طواف دل است به یاد خداوند نه مجرد طواف تن به خانه؛ تا آغاز و انجام آن به ذکر او باشد (نراقی، جامع السادات، ص ۳۸۷).

حج، ضیافت با شکوه و میهمانی رسمی و ورود به محضر الهی است. حضور در این میهمانی؛ یعنی، ورود به یک برنامه رسمی و از پیش تعیین شده: «ان علة الحج الوفادة الى الله تعالى»؛ (شیخ صدوق، محمدبن علی، علی الشرایع، ص ۴۰۴) خود او از بندگانش دعوت کرده و خواسته در این میهمانی معنوی شرکت کنند و از تحفه های فراوان و الطاف سرشارش بهره مند شوند. اذن فی الناس بالحج یا توک رجالا و علی کل ضامر. حضور مردم در این عبادت بزرگ، پاسخ به این دعوت و راه یافتن به پیشگاه قدس او و زیارت خانه مکرم الهی است.

یکی از ابعاد عرفانی حج، روحانیت و معنویت ویژه آن است. اعمال و مناسک حج از قبیل طواف، رمی، بیتوته، قربانی و.... دارای معنویت وصفای ویژه ای است و این بر روح و روان انسان تأثیرات مثبت و شگرفی دارد؛ چنان که اماکن مقدس و پاک سرزمین وحی نیز اثرات زیادی دارد و خانه مطهر خدا، منا و عرفات و مشعر و... هر یک در پاکسازی درون و تقویت روحانیت انسان، نقش مهمی ایفا می کنند. حضور در حج و آشنایی با فلسفه آن، باعث می شود که دین و ایمان انسان به رشد و بالندگی برسد و باطن و درون او صفا و نورانیت کسب کند. از منظر عرفانی، حج نیز چون کعبه، دو گونه است: «یکی «حج غیبت» و دیگری «حج حضور»؛ کسی که در مکه است، اما از صاحبخانه غائب، همانند کسی است که در خانه

خود است؛ زیرا هر دو در غیبت است و کسی که در خانه خود حاضر باشد همانند کسی است که در مکه حاضر است». (هجویری، ۱۳۵۸، ج ۷: ۴۲۶)

نتیجه گیری

زمانیکه شخص به منزل و خانه ی آفریدگار خویش رفته و به خداوند متعال تقرب می جوید در علل و دلایل خلقت آفرینش تأمل و تدبیر کرده و سعی بر آن می نماید تا نفس خویش را پاک و منزّه نماید و از اخلاق ناپسند و آلودگی های اخلاقی دوری جسته و به مبارزه با نفس خویش پردازند تا در سرای آخرت اعمال وی جزو اعمال بندگان پاک و مطهر خداوند باشد. زیرا با حضور در بیت الله الحرام خانه آفریدگارمان می باشد باعث می شود که آدمی به این موضوع تفکر و اندیشه نماید که مخلوق و آفریدگار انسان و تمامی جهان هستی، قادری مطلق به نام خداوند متعال بوده و پس از طی مدتی عمر و زندگی باید این جهان هستی را ترک نموده و با اعمال نیک و بد در صحرای محشر و در محضر خداوند متعال حاضر گردد، و لذا انسان در اعمال و رفتار خویش بسی تأمل کرده و در اخلاق، منش، عبادات و تکالیف شرعی دقت لازم و کافی خواهد داشت و به تطهیر روح و نفس خویش پرداخته و قدم در راهی نیک و درست بگذارد و همین تغییر و تبدیل شدن به انسانی آگاه و مسئول باعث می گردد تا برای رضایت و خشنودی خداوند و آفریدگار خویش عمل نماید که این امر به مرور زمان منجر به تزکیه نفس و سلوک معنوی می گردد. ولذا یکی از حکمت های مهم عرفانی فریضه حج، طهارت و تزکیه نفس می باشد و فی الواقع حج فرصتی برای تزکیه و پاکی نفس است. و مسلمانان از طریق اعمال مناسک حج به تزکیه و تهذیب نفس پرداخته و به شناخت خداوند و به صفای قلب می پردازند. با این تفاسیر، یکی از تاثیرات مهم و شگفت انگیز حج، تاثیر در معنویت و سلوک شخص می باشد. اعمال و مناسکی که در حج وجود دارد دارای معنویت

ویژه ای می باشد که بر روح و روان و شخصیت انسان تاثیر شگفت انگیزی می گذارد و در پاکسازی درون و تقویت روحانیت و معنویت انسان نقش و تاثیر مهمی دارد .

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. ابن عربی، محی الدین، تفسیر ابن عربی، تحقیق سمیر مصطفی رباب، بیروت، دار احیا التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۲. الرضی، محمد بن حسین شریف، ترجمه محمد دشتی، نهج البلاغه، نشر الهادی، چاپ ۳۲، ۱۳۸۷، خطبه ۱.
۳. آملی، سید حیدر، نصوص الحکم بر فصوص الحکم، ص ۳۰۹.
۴. خمینی، سید روح الله، سر الصلاه (معراج از سالکین و صلاه العارفین)، تهران، موسسه تنظیم، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۸.
۵. ری شهی، محمد، العمره فی الکتاب و السنه، جلد ۱، ص ۱۳۳.
۶. شیخ صدوق، محمد بن علی، ترجمه عالی اکبر میرزایی، علی الشرایع، انتشارات زهیر، جلد ۲، چاپ ۲، ص ۴۰۴، ۱۳۹۱ شمسی.
۷. شیخ صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا (ع)، جلد ۱، چاپ ۳، صفحه ۹۷، ۱۳۹۱ شمسی.
۸. قانونی، صدرالدین، النصوص، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۱ شمسی.
۹. نراقی، محمد مهدی (ملا مهدی)، جامع السادات، نشر چاپ سنگی، جلد ۳، صفحه ۳۸۷، ۱۳۱۲ شمسی.
۱۰. هجویری، ابی الحسن علی بن عثمان، (۱۳۵۸)، کشف المحجوب، به تصحیح: ژوکوفسکی، تهران، انتشارات طهوری، چاپ اول.